

آینه ۶۱

عبرت از عملکرد مردم سال
۶۱ هـ. قمری نسبت به منجی

خیمه اول:

اهمیت شناخت
خط فکری دو جامعه

برگرفته از کتاب جان جهان امیر بیان قم



دینداری بی ولایت

بیایید از خودمان بپرسیم: چطور ممکن است مردمی اهل نماز و قرآن باشند، ولی روبه روی ولی خدا بایستند؟ این، اتفاقی بود که نه فقط در کربلا، بلکه خیلی قبل تر هم افتاده بود؛ مثلاً در نهروان.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، خطبه ۹۳ می فرمایند:

«من بودم که چشم فتنه را درآوردم، در حالی که جز من کسی جرأت نزدیک شدن به آن را نداشت...»

فتنه به چه معناست؟ یعنی جایی که مرز حق و باطل نامشخص می شود. افراد، ظاهر دینی دارند، اما در عمل روبه روی امام، که ستون دین است می ایستند. خوارج دقیقاً همین طور بودن؛ اهل عبادت بودن، قرآن می خواندن ... ولی در آخر، در مقابل علی علیه السلام ایستادند. چرا؟

چون «معرفت به امام» نداشتن. اینجا است که این جمله ی کلیدی را باید با خط درشت نوشت:

«ممکن است علی شناس باشی، ولی امام شناس نه!»

باید بشناسی...

درگیری حق و باطل اولین درگیری عالم، طولانی‌ترین درگیری، وسیع‌ترین درگیری، اصلی‌ترین درگیری و فراگیرترین درگیری است. از زمانی که انسان مکلف به انجام تکلیف شد درگیری جبهه حق و باطل شکل گرفت.

اگر خط فکری هر جبهه را بشناسیم و به خط فکری حق و باطل آشنا باشیم، می‌توانیم طرف درست تاریخ را انتخاب کنیم و همان طرف بایستیم.

یکی از شخصیت‌های عجیب تاریخ، شَیْث بن ربیع است. با امام علی (علیه السلام) در جنگ صفین همراه بود. ولی در کربلا، فرمانده یکی از جناح‌های لشکر عمر سعد شد!

چطور یک انسان به اینجا می‌رسد؟

فقط به خاطر اینکه حق و خط فکری آن را نشناخته است. شناخت خط فکری و ایستادن در سمت درست به سواد، سن و سال و سلامت جسم و... خیلی مرتبط نیست؛ بلکه به **درک و فهم و معرفت انسان** بستگی دارد.

جبهه سومی وجود ندارد...

مسلمانان زمان امام حسین علیه السلام سه دسته بودند:

یک دسته اقلیت بودند که نمازشان را به امامت امام حق، خواندند تعدادشان کم است. بیشترین آمار ذکر شده ۱۰۰۰ نفر در جبهه حقند. **دسته دیگر** زندگی‌شان را به امام باطل اقتدا کردند، این‌ها هم عددشان خیلی زیاد نیست؛ ۳۰۰۰۰ نفرند.

اما اکثریت مسلمان‌ها نمازشان را فردای خواندند؛ نه امام حق را انتخاب کردند؛ نه امام باطل را. این‌ها جبهه سوم نیستند، چون نتیجه بی تفاوتی‌شان به نفع جبهه باطل است؛ لذا در شمار جبهه باطل محسوب می‌شوند؛ در حال حاضر جمایت از استکبار و خرید هر کالایی که ساخت دشمن است همین حکم را دارد؛ مثل این می‌ماند که ما از اسرائیل و جنایتکاران دیگر بیزاریم، ولی از طرف دیگر؛ کالاهای آنها را استفاده می‌کنیم؛ این به عبارت دیگر همان سیاهی لشکر دشمن شدن است و فرقی با دسته سوم کربلا ندارد.

این خط فکری و این دسته‌بندی تا ظهور ادامه دارد.

تکرار تاریخ...

در سال ۶۰ هجری، امام حسین علیه السلام، نامه‌ای به بزرگان بصره نوشت و آن‌ها را به یاری فراخواند. در این نامه، امام با صراحت، مردم را به بازگشت به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می‌کند: «سنت پیامبر را میرانده‌اند و بدعت را زنده کرده‌اند...» (تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۸) این جمله، نشانه‌ای روشن از انحرافی عمیق در خط فکری جامعه‌ی آن روز است. اما این فقط توصیف یک جامعه تاریخی نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۳۸، درباره رسالت امام زمان علیه السلام می‌فرماید: «جایی که مردم، هوس‌های خود را به جای هدایت می‌نشانند و قرآن را تابع رأی و سلیقه شخصی‌شان می‌سازند. در حالی که ولی خدا، هدایت را معیار همه چیز قرار می‌دهد و رأی و خواسته‌اش را تابع قرآن می‌سازد». نکته‌ی مهم اینجا است: خط فکری جامعه‌ی سال ۶۱ هجری، با خط فکری آخرالزمان یکی است. هر دو، دچار واژگونی ارزش‌ها و بی‌معرفتی به جایگاه ولی خدا هستند.

و به همین دلیل است که **بازخوانی جامعه عاشورا، می‌تواند برای منتظران منجی در آخرالزمان، چراغ راه باشد.**

قدم اول معرفت به امام ...

ندانستن خط فکری در برخی مواقع سبب می شود، امامی به گودال برود و عده‌ای تماشاچی باشند.

بی شک یکی از عبرت آمیزترین، سرگذشت‌ها در کربلا، سرگذشت عمر سعد است. در واقع عمر سعد فقط یک شخص نیست، نماد و نماینده یک جریان و نوعی تفکر است که اگر بر جامعه ای حاکم شود، عمر سعدها در آن پرورش می‌یابند.

این شخص طبق نقل تاریخ، هم‌بازی سیدالشهدا (علیه السلام) است، حسین (علیه السلام) را می‌شناسد، ولی امام رانه. تجربه تاریخ می‌گوید اگر خط فکری را نشناختیم، امام را تنها خواهیم گذاشت.

در تاریخ هرجایی مردم زمان، منجی را خواندند و خواستار آمدنش شدند در نهایت همان مردم منجی را به مسلخ بردند. کوفیان که امام را خواستند، وقتی عبیدالله مشکل مالی آنها را برطرف کرد سیدالشهدا (علیه السلام) را فراموش کردند.

چقدر امام زمان (علیه السلام) را می‌شناسیم و با خط فکری ایشان آشنا هستیم؟ **ما منجی را برای چه می‌خواهیم؟**